روی خط حادثه

سرقت در پوشش جمع‌آوری ضایعات

شهرآرا| با شگردی که پیش گرفته بودند، حتی اگر شهروندی آن‌ها را هنگام سرقت می‌دید، به آن‌ها شک نمی‌کرد. آن‌ها سوار بر یک وانت پیکان درب‌وداغان، شبانه به سراغ ساختمان‌های نیمه‌کاره می‌رفتند و در چشم برهم زدنی هرچه دستشان می‌آمد، عقب وانت می‌ریختند و متواری می‌شدند. با اعتراض مالکان ساختمان‌های نیمه‌کاره پیگیری موضوع در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. مأموران دایره تجسس کلانتری شهرک فراجا با بازبینی دوربین‌های مداربسته محدوده سرقت‌ها، متهمان را که با یک دستگاه پیکان وانت پلاک مخدوش در پوشش جمع‌آوری ضایعات به ساختمان‌های در حال ساخت دستبرد می‌زدند، شناسایی کردند. تیم رسیدگی‌کننده پرونده با گشت‌زنی در نقاط آسیب‌پذیر شب گذشته متهمان را شناسایی و با هماهنگی قضایی آن‌ها را دستگیر کرد. متهمان پس از انتقال به مقر انتظامی در بازجویی‌های به‌عمل‌آمده در مواجهه با ادله و مستندات پلیس به هشت فقره سرقت وسایل از ساختمان‌های در حال ساخت در محدوده غرب شهر مشهد اعتراف کردند. در ادامه متهمان برای رسیدگی به پرونده‌شان به دادسرا معرفی شدند.

بیرون‌کشیدن دست زن دزد از جیب شهروندان

زن جوان به بهانه اینکه منتظر اتوبوس است، وارد ایستگاه اتوبوس‌های شلوغ می‌شد و بدون اینکه سوار اتوبوسی شود، از ایستگاه فاصله می‌گرفت و خودش را در همان حوالی گم می‌کرد؛ اما آنچه کرده بود، بعدا با سروصدای مسافران که جیب وکیف‌هایشان خالی شده بود، مشخص می‌شد. در پی گزارش چند فقره جیب‌بری در اتوبوس‌های هسته مرکزی شهر مشهد، پیگیری موضوع به‌صورت ویژه در دستورکار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان پایگاه ثامن پلیس آگاهی مشهد با اطلاعات به‌دست‌آمده از سوی مال‌باختگان و انجام تحقیقات میدانی، متهم را که زنی جوان است، شناسایی کرده و تحقیقات خود را برای دستگیری وی آغاز کردند. تیم رسیدگی‌کننده پرونده با اشراف اطلاعاتی و تحقیقات میدانی، متهم را روز گذشته در حال سرقت تلفن‌همراه یک شهروند در ایستگاه اتوبوس دستگیر کرد. متهم سی‌ونه‌ساله در بازجویی‌های علمی پلیس و مواجهه با تعدادی از مال‌باخته‌ها به هشت فقره سرقت در ایستگاه‌های اتوبوس اعتراف کرد. در ادامه متهم به دادسرا معرفی شد.

دستگیری سارق باغ‌ویلاهای شمال مشهد

سهیل دیبا| برای اینکه فردی بفهمد باغ‌ویلایی خالی از سکنه است، فقط کافی است که چند روز در همان حوالی گشت بزند و خیلی زود دستش می‌آید که کسی در این خانه‌های مجهز حضور دارد یا نه. تنها موضوعی که شاید بتواند سارق را از تصمیمش منصرف کند، استفاده از دوربین‌های مداربسته و دیگر تجهیزات ایمنی و از آن مهم‌تر استفاده از نگهبان است. در روزهای گذشته با شکایت اهالی باغ‌ویلاهای شمالی مشهد و جاده کلات، مأموران کلانتری خلق‌آباد پیگیر این سرقت‌ها شدند. مأموران در بررسی آخرین سرقت دریافتند که متهم به سرقت شبانه با نفوذ به داخل یک باغ‌ویلا، تعداد زیادی لوازم شامل کابل برق، لامپ، شیرآلات، پمپ آب، دستگاه فرز و درب آهنی را سرقت کرده است. مأموران کلانتری خلق‌آباد با انجام تحقیقات میدانی و با استفاده از سرنخ‌های به‌جامانده، متهم را که فردی سابقه‌دار است، شناسایی کرده و وی را در مخفیگاهش دستگیر و قسمتی از اموال مسروقه را کشف کردند. متهم در بازجویی‌های به‌عمل‌آمده و در مواجهه با ادله و مستندات پلیس تاکنون به هشت فقره سرقت وسایل از باغ‌ویلاهای محدوده جاده کلات اعتراف کرده است.

جهان حوادث

۳۸ کشته در تصادف ۲ اتوبوس

مهرا| ۳۸ نفر در اثر برخورد رخ‌به‌رخ دو اتوبوس در منطقه موشی در منطقه شمالی تانزانیا که منجر به آتش‌گرفتن اتوبوس‌ها شد، کشته شدند. همچنین ۲۸ نفر دیگر زخمی و به بیمارستان منتقل شدند. قربانیان شامل اعضای یک خانواده بودند که برای شرکت در یک عروسی به شهر موشی سفر می‌کردند. علت حادثه، ترکیدن لاستیک جلوی یکی از اتوبوس‌ها بود.

غرق‌شدن قایق مهاجران در ایتالیا

ایسنا| یک مقام آژانس مهاجرت سازمان ملل متحد اعلام کرد در پی غرق‌شدن قایق مهاجران در نزدیکی جزیره لامپدوسا در ایتالیا، یک زن جان باخته و دو نفر دیگر مفقود شده‌اند. همچنین گارد ساحلی موفق به نجات ۸۷ نفر از سرنشینان قایق شده است. لامپدوسا، جزیره‌ای بین تونس، مالت و جزیره بزرگ‌تر «سیسیل» ایتالیا و اولین بندر برای بسیاری از مهاجرانی است که به دنبال رسیدن به اتحادیه اروپا از شمال آفریقا هستند. گفته شده است که قایق فلزی سست از تونس حرکت کرده و در هنگام ناوبری متلاشی شده است.

۲۹ کشته در پی انفجار یک مدرسه

مهرا| روز گذشته یک ترانسفورماتور برق در نزدیکی دبیرستان بارتلمی بوگاندا در بانگی، پایتخت جمهوری آفریقای مرکزی، منفجر شد. در این حادثه ۵ هزار و ۳۱۱ دانش‌آموز در حال گذراندن امتحانات کارشناسی بودند. در پی این انفجار، مقدار زیادی گاز سمی منتشر شد که باعث مشکلات تنفسی و حتی بیهوشی شد. با گسترش وحشت و تلاش دانش‌آموزان برای فرار، ازدحام جمعیت بزرگی رخ داد. در این حادثه تاکنون ۲۹ دانش‌آموز جان خود را از دست داده‌اند و ۳۶ نفر دیگر به‌شدت زخمی شده‌اند.

صحنه جنایتی که قاتل و مقتول یکدیگر را نمی‌شناختند، در مشهد بازسازی شد

متهم: سرم داغ بود و نفهمیدم چه می‌کنم

محمدجواد ابوعطا

گزارش

دیروز صحنه قتل «غلامحسین. ح» که چندی پیش با ضربات چاقو از سوی «عباس. پ» در خیابان شهید یوسف زاده رخ داده بود با حضور دو متهم این پرونده به دستور قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی در حالی بازسازی شد که متهم اعلام کرد پیش از درگیری حتی یک بار مقتول را ندیده و اصلا او را نمی‌شناخته است.

«عباس. پ» متهم به قتل چهل و سه ساله که پدر سه فرزند است، پیش از آغاز بازسازی در پاسخ به اینکه آیا سابقه دار است، گفت: سابقه کیفری نزاع جمعی دارم که پنج سال زندان بودم و ۴۵۰ میلیون تومان دیه برایم بریدند. درنهایت نیز پس از گرفتن رضایت شاکی و تحمل حبس آزاد شدم.

او در تشریح اتفاق های روز حادثه به مقام قضایی گفت: از بعد از ظهر با رفقا رفتیم سمت مُلک آباد برای آب تنی در باغ رمضان. آن شب برای عروسی به تالاری در جاده کلات دعوت بودیم. شوهرخواهر، برادر و... جلوی تالار منتظر من بودند تا با هم برویم داخل. قرار بود آن شب جواد، پسردایی ام، مقداری پول نقد بیاورد تا برای شاباش همراهم باشد. خانه اش در یوسف زاده ۲۰ است. با ماشین خودم با رمضان آمدیم اینجا. ابرهیم و علی که در باغ با هم بودیم نیز با هم مستقیم رفتند مجلس و قرار شد من بعد از گرفتن پول بروم.

موتورسوار عربده کشی می کرد

این متهم به قتل درباره اتفاق های خیابان شهید یوسف زاده مدعی شد: وارد همین میلان (انتهای یوسف زاده ۳۳) شدیم که یک موتوری از روبه رویمان می آمد. ما از بولوار ناصری وارد این خیابان شدیم. دو نفر سوار موتور بودند که نفر پشت سر چاقودستش بود. از همان دور که دیدیم رمضان گفت: «پسره را ببین، فکر کنم اینجا دعواست.» نفر پشت سر موتورسیکلت نیز عربده کشی می کرد. وقتی کنار ما رسیدند، نفر پشت سر فحش داد، ما عجله داشتیم و مهم نبود ورد شدیم. رفتیم سر چهارراه، قبل از اینکه وارد چهارراه شویم، یک ماشین دیگر آمد رد بشود که راه ما بسته شد و ترمز زدیم. همین جا بود که موتور آمد کنار ماشین و چفت کرد؛ طوری که درِ ماشین باز نمی شد، نفهمیدم برای دعوا بود یا زورگیری. نفر عقب نیز باکارد زد شیشه ماشین را شکست و پیاده شد و با همان چاقو شروع کرد ضربه زدن به من. ضرباتی به دست، قفسه سینه، کتف، سر شانه، چشم و پیشانی و سرم خورد.

«عباس. پ» ادامه داد: من نه می توانستم با ماشین بروم و نه می توانستم پیاده شوم تا اینکه موتور رفت عقب و مرحوم همان طور که چاقو می زد، توانستم چاقو را از دستش بگیرم. جثه اش از من ریزتر بود. بعد پیاده شدم و او دستش یک چیزی بود. توی پیاده رو با هم گلاویز شدیم، چند تایی با چاقو رد کردیم و از من خون می ریخت. ناگهان او فرار کرد و چند قدمی هم دنبالش رفتم؛ اما خون ریزی من را سست کرد. به رمضان گفتم که ماشین را بیاورد. به ماشین تکیه دادم و بعد سوار شدم.

خودم به پلیس زنگ زدم

این متهم سابقه دار درباره اتفاق های بعد با بیان اینکه خودش به پلیس ۱۱۰ زنگ زده و موضوع را گزارش داده بود، بیان کرد: وقتی رفتیم، با چشم دنبال پسره بودم. ما پیچیدیم سمت راست، دیدم از چشمم خیلی خون می آید، به رمضان گفتم: «من را برسان بیمارستان، فکر کنم کور شدم»؛ بعد از کوچه بغلی چرخیدیم و وارد کوچه ۳۳/۶ شدیم. به رمضان گفتم مرا به بیمارستان هاشمی نژاد که نزدیک تر برساند. ناگهان همان موتوری آمد جلوی ما که رمضان گفت: «فکر کنم همان فلان رفته هایند»؛ گفتم که ردشان کند، اما آمدند و موتور را جلوی ماشین گذاشتند. همان پسر جوان باز آمد درِ شاگرد را باز کرد، من چاقو دستم بود. دوباره با هم گلاویز شدیم و یک چاقو هم او دستش بود، با هم درگیر شدیم و نفهمیدم چه شد. من یک چشمم اصلا نمی دید، چاقو دست راستم بود و فقط ضربه می زدم، بعد هم بیهوش شدم و در بیمارستان چشم باز کردم.

چهار نفری مشروب خورده بودیم

عباس در پاسخ به قاضی خاکشور درباره اینکه چیزی مصرف کرده بودید، پاسخ داد: ما در باغ رمضان چهار نفری مشروب خورده بودیم. کله ام داغ بود؛ اما صحنه درگیری را یادم می آید.

او درباره زمان مصرف الکل و زمان جنایت مدعی شد: سر شب بعد از اینکه از استخر آمدیم بیرون و هوا سرد شده بود، مشروب خوردیم و حدود دو ساعت بعد تقریبا اینجا رسیدیم. اصلا قصد عروسی رفتن نداشتم که بچه ها زنگ زدند و منتظر بودند که راه افتادیم.

این متهم درباره نقش رمضان در این درگیری با توجه به اینکه یک بار اسم او و یک نفر دیگر را به عنوان قاتل معرفی کرده بود، بیان کرد: نه، او هیچ نقشی نداشت، اگر پیاده می شد و آن طرف را هل می داد، شاید این اتفاق نمی افتاد. اسم آن ها را آوردم تا وقت بگیرم و برای رضایت کاری انجام دهم.

چرا فرار کردی؟

او درباره علت فرار و مخفی شدنش در شمال کشور نیز توضیح داد: بعد که فهمیدم طرف کشته شده است، فرار کردم. بعد از دو روز رفتم شمال، در شیرود خانه اجاره کردم و بعد هم رفتم گنبد خانه گرفتم که همان جا دستگیر شدم. من انگیزه دعوا نداشتم، این بابا (مقتول) خودش و من را بدبخت کرد. بعدا فهمیدم مقتول همان روز عروسی بوده و سه تا دعوا راه انداخته و آمده بیرون و اینجا به من رسیده بود. من اصلا قصد قتل نداشتم و حالا نیز درخواست عفو و بخشش دارم. من در اداره آگاهی هم گفتم که خریت کردم، فرارم نیز برای این بود که ترسیده بودم؛ چون پابند داشتم و حبس رفته بودم.

من ترسیده بودم

«رمضان. ف»، دیگر متهم این درگیری نیز در بازسازی صحنه جنایت با تأیید اظهارات عباس اعلام کرد: آن ها وقتی مقابل ماشین برای مرتبه دوم با یکدیگر درگیر شدند، هر دو چاقو داشتند. بعد که همدیگر را زدند، هر دو روی زمین افتادند که من پیاده شدم و عباس را به بیمارستان رساندم. من ترسیده بودم، چون احتمال داشت که افراد بیشتری آنجا بریزند و من را هم بزنند، من دنبال دعوا نبودم.

او در پاسخ به اینکه آیا اظهارات عباس درباره مشروب خوری در باغ را تأیید می کند، بیان کرد: بله، همه دور هم خوردیم؛ ولی من زیاد نمی خورم، مشروب هم از خیلی وقت پیش در باغ بود.

با ثبت و ضبط اظهارات متهم به قتل و شاهد این درگیری با دستور قاضی خاکشور، بازپرس جنایی، بازسازی پایان یافت.

عکس: محسن بخشنده| شهرآرا

حادثه داغ

پلیس پرونده یک کلاهبرداری را در مشهد بست

خرید جعلی کشمش سبز

ابوعطا| خودروی لوکس مقابل یک فروشگاه عمده فروشی خواروبار ایستاد و دو مرد خوش پوش از آن پیاده شدند. آن ها وارد فروشگاه بزرگ شدند و سراغ مدیر آن را گرفتند. دقایقی بعد در حالی این افراد مقابل مردی میان سال باتجربه نشسته بودند که مشخص شد آن ها به دنبال خرید کلی کشمش برای شرکتشان هستند. در ادامه مالک فروشگاه که مشتری دانه درشتی به تورش خورده بود، اعلام کرد هر چه کشمش بخواهند می تواند به آن ها بدهد. مابقی صحبت ها پیرامون میزان خرید و قیمت چرخید وکمتر از نیم ساعت بعد آن ها بر سر خرید میزان کشمش به توافق رسیدند و با قیمت فروشنده موافقت کردند. وقتی موضوع به پرداخت وجه خرید رسید، خریداران فروشنده را مطمئن کردند که خریدشان نقدی است و پس از بارگیری، تمام وجه را به صورت اینترنتی به حساب خریدار منتقل می‌کنند. در ادامه عملیات بارگیری انجام شد و دو مرد جوان بعد از اطمینان از میزان کشمش ها، با دریافت شماره شبای حساب فروشنده، تمام وجه را به حساب فروشنده میان سال منتقل کردند و پس از نشان دادن رسید، به همراه محموله از محل دور شدند.

با اعلام گزارش یک فقره کلاهبرداری سنگین در یک فروشگاه بزرگ عمده فروشی مواد غذایی، گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد راهی محل شدند. پیش از این نیز دو فقره کلاهبرداری مشابه دیگر به پلیس آگاهی اعلام شده بود. بررسی های اولیه نشان داد که دو مرد جوان به بهانه خرید کشمش از این عمده فروشی، اقدام به جابه جایی وجه معامله به صورت اینترنتی کرده و رسید را به فروشنده نشان داده اند؛ اما در ادامه فروشنده متوجه شده که پولی به حسابش واریز نشده است. تیم رسیدگی کننده پرونده متوجه شد که دو خریدار اقدام به کلاهبرداری با رسید ساز جعلی کرده اند و شاکی را فریب داده اند. این سومین پرونده در این زمینه بود که روی میز کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد گشوده شده بود. بررسی ها نشان داد که دو کلاهبردار در مجموع ۳ هزار کیلو کشمش به ارزش ۷۰۰ میلیون تومان را با رسید ساز جعلی به نوعی سرقت کرده اند. در این میان اگر فروشنده ها تحویل اجناس را منوط به دریافت پیامک واریز می کردند، قطعا این کلاهبرداران ناکام می ماندند. به هر جهت مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند. کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی مشهد با تجمیع اطلاعات به دست آمده از مال باخته ها، متهمان را شناسایی و با اشراف اطلاعاتی آن ها را در یکی از مناطق جنوب شهر مشهد ردزنی و با هماهنگی قضایی در اقدامی ضربتی به دام انداختند.

متهمان پس از انتقال به مقر انتظامی در مواجهه حضوری با مال باخته ها به کلاهبرداری با رسیدهای جعلی در شهر مشهد اعتراف کردند و تحقیقات از آن ها با هماهنگی مقام قضایی ادامه دارد.
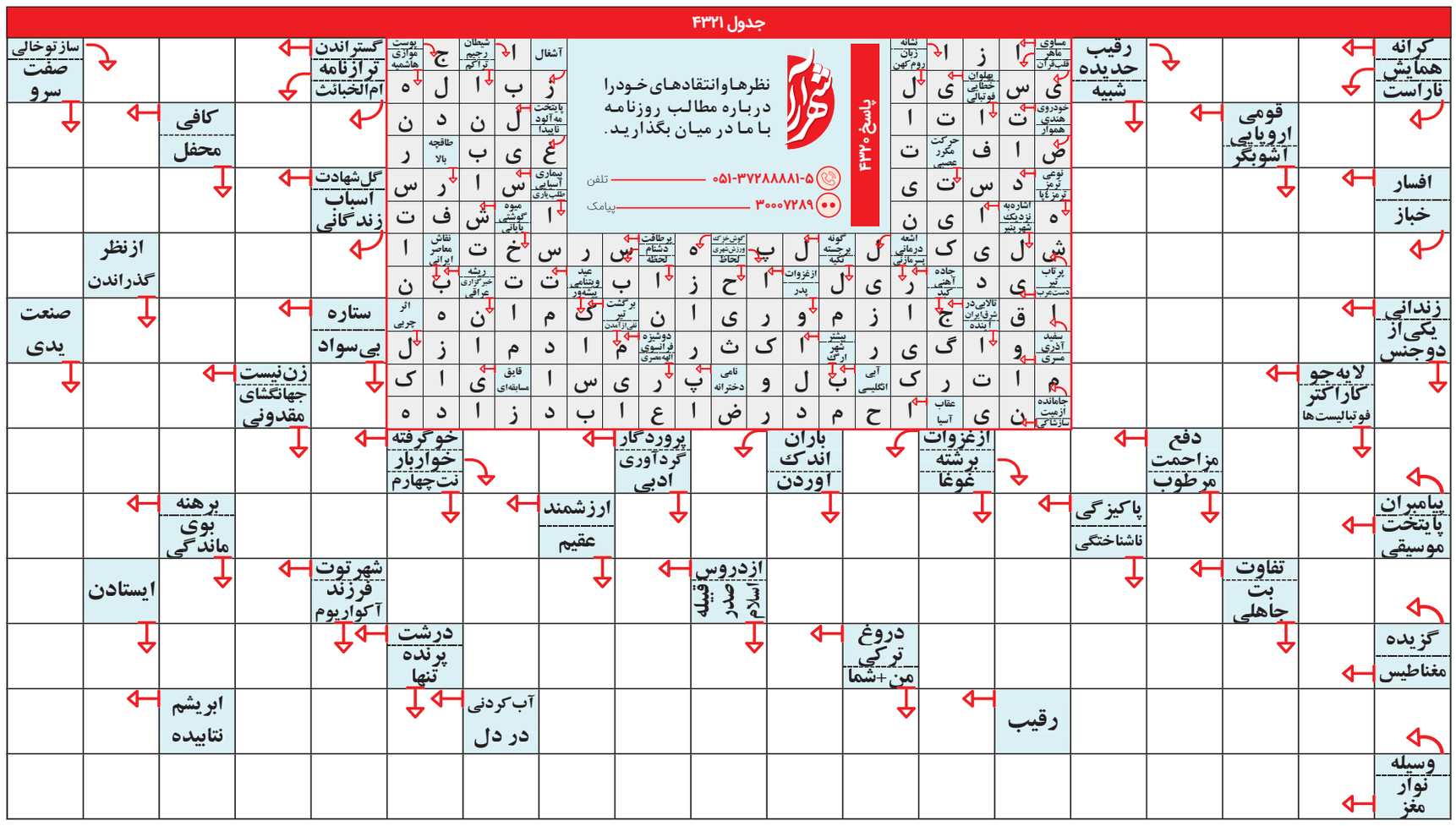
جدول ۴۳۲۱